



آموزش ۱۰ هزار کمک پرستار مهارتی آغاز شد

معاون پرستاری وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، از آغاز آموزش یک ساله ۱۰ هزار کمک پرستار مهارتی خبر داد. به گزارش پایگاه خبری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، محمد میرزابیگی گفت: کمک پرستارهای مهارتی دارای مدرک زیردیپلم هستند و در یک دوره یک ساله غیردانشگاهی برای رفع نیازهای اولیه بیماران آموزش می‌گیرند. میرزابیگی افزود: کمک پرستاران مهارتی دارای ۳۳ شرح وظیفه هستند که این وظایف جزو مراقبت‌های اولیه به بیماران است که اکنون توسط پرستاران فارغ‌التحصیل دانشگاهی انجام می‌شود و با تربیت این گروه لزومی به انجام این وظایف توسط پرستاران آموزش دیده دانشگاهی نیست. وی گفت: شرح وظایف این گروه، براساس سطح بندی خدمات پرستاری و مراقبت‌های سطح اول انجام می‌شود و مراقبت‌های پرستاری توسط پرستاران انجام می‌شود و مراقبت‌های سطح بالاتر توسط پرستاران ارشد صورت می‌گیرد. وی درمورد آموزش کمک پرستاران مهارتی گفت: آموزش این گروه توسط بخش غیردولتی و نهادهای عمومی صورت می‌گیرد و مجوزی از طریق دولت برای استخدام گروه زیرلیسانس صادر نشده است. معاون پرستاری با اشاره به مجوز استخدام هفت هزار نفر پرستار دانشگاهی برای بیمارستان‌ها و بخش‌های تازه تاسیس شده گفت: نظام آموزش پرستاری از مهر ماه به صورت پایلوت در دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بازنگری می‌شود و کارانه پرستاران از درآمد بیمارستان از ۲۰ درصد به ۲۹ درصد افزایش یافته است. تجهیز خانه بیماران «ای بی» توسط وزارت بهداشت و وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دستور داد، برای حمایت از بیماران مبتلا به بیماری نادر پوستی «ای بی»، خانه این بیماران تجهیز و در درمانگاه‌های ویژه نیز داروها و پانسمان‌های مخصوص به صورت رایگان در اختیار بیماران قرار گیرد؛ همچنین رئیس سازمان غذا و دارو از رایگان شدن مکمل‌های غذایی و پانسمان این بیماران خبر داد. به گزارش پایگاه خبری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، خانه این بیماران با همکاری بنیاد مستضعفان و بنیاد بیماری‌های خاص و با مدیریت دانشگاه علوم پزشکی ایران تجهیز می‌شود و در آن اقدام‌های تشخیصی، کنترل و درمان نیز به بیماران ارائه خواهد شد. همچنین رئیس سازمان غذا و دارو در خصوص نحوه حمایت از بیماران «EB» گفت: این بیماران برای تقویت و جبران خون از دست رفته در اثر زخم‌ها

نیازمند استفاده مداوم از برخی مکمل ها هستند که از این پس این مکمل ها نیز به صورت رایگان در اختیار این بیماران قرار می گیرد. دکتر رسول دیناروند همچنین از تجهیز درمانگاه های ویژه بیماران «ای بی» نیز خبر داد و گفت: خدمات ویژه این بیماران با حضور متخصصان به آنها ارائه خواهد شد. چندی پیش دکتر سیدحسن هاشمی، وزیر بهداشت در سفر به استان خراسان شمالی با کودک ۷ ساله ای که مبتلا به نوع دیگری از بیماری پوستی بود، ملاقات کرده و در جریان مشکلات این بیماران نیز قرار گرفت. وزیر بهداشت با توجه به خارج بودن برخی از خدمات ویژه از فهرست پوشش تعهدات بیمه ای، دستور پیگیری و برای تامین دارو و هر گونه کمک لازم به «نرگس» کودک ۷ ساله بجنوردی مبتلا به بیماری پوستی و سایر بیماران مشابه را صادر کرد. محکومیت مسئولان فنی ۲۰ بیمارستان پایتخت به دلیل تخلف مالی معاون نظارت و برنامه ریزی نظام پزشکی تهران بزرگ، از محکومیت مسئولان فنی ۲۰ بیمارستان پایتخت به دلیل تخلف مالی خبر داد. به گزارش مهر، دکتر ایرج خسرونیا با اشاره به اینکه این افراد به دلیل تخلف مالی محکوم شده اند، اظهارداشت: با راه اندازی سامانه ۱۶۹۰، میزان تخلفات پزشکی و دریافت های زیرمیزی به حداقل رسیده است. وی با اشاره به محکوم شدن ۵ پزشک متخلف در تهران، افزود: ۱۵ پزشک نیز در هیات بدوی نظام پزشکی محکوم شدند. خسرونیا در واکنش به شائبه وظیفه نظارتی سازمان نظام پزشکی که محل اختلاف با وزارت بهداشت شده است، اظهارداشت: وظیفه نظام پزشکی رسیدگی به شکایت و تخلفاتی است که گزارش می شود و مستندات آن وجود دارد.

کد خبر: ۲۲۸۴۰۷۶۶

اطلاعات تکمیلی:

گروه اختصاصی: آموزشی

رتبه:

جهت گیری:

اختیار مرتبته:

- ✓ شفا آنلاین: آغاز آموزش ۱۰ هزار کمک پرستار مهارتی از امسال
- ✓ جام جم: آغاز آموزش ۱۰ هزار کمک پرستار مهارتی
- ✓ خراسان: آغاز آموزش ۱۰ هزار کمک پرستار مهارتی
- ✓ ایرنا: آغاز آموزش ۱۰ هزار کمک پرستار مهارتی
- ✓ سلامت نیوز: آغاز آموزش ۱۰ هزار کمک پرستار مهارتی



آغاز آموزش ۱۰ هزار کمک پرستار مهارتی

به گزارش ایسنا، محمد میرزابیگی افزود: این گروه دارای مدرک زیردپلم هستند و در یک دوره یکساله غیردانشگاهی آموزش می بینند.

وی عنوان کرد: با توجه به این که هم اکنون دوره کمک بهیاری نداریم و کمک بهیاران در گذشته بازنشسته شده و از تیم بهداشتی درمانی رفته اند، تصمیم گرفتیم دوره آموزش یکساله کمک پرستار مهارتی را در دستور کار قرار دهیم.

میرزابیگی یادآور شد: کمک پرستاران مهارتی دارای ۳۳ شرح وظیفه هستند که این وظایف جزو مراقبت های اولیه به بیماران است که هم اکنون توسط پرستاران فارغ التحصیل دانشگاهی انجام می شود و با تربیت این گروه لزومی به انجام این وظایف توسط پرستاران آموزش دیده دانشگاهی نیست.

معاون پرستاری تاکید کرد: دوره یکساله کمک پرستاری مهارتی، دوره جدید و کاربردی است و برای رفع نیازهای اولیه بیماران است و در کل کشور اجرا می شود. این کمک پرستاران مهارتی شرح وظایف خود را دارند و به هیچ عنوان جایگزین پرستاران نیستند.

معاون پرستاری خاطرنشان کرد: ده هزار نفر کمک پرستار مهارتی از امسال مشغول به آموزش یکساله می شوند که تناسب یک به ۲۰ نفر پرستار دانشگاهی هستند و تحت هیچ شرایطی جایگزین پرستاران نیستند.

میرزابیگی اظهار کرد: سرپرستاران مهم ترین ناظرین بر امور پرستاران و کمک پرستاران مهارتی هستند و لازم است به انجام وظایف این گروه ها با توجه به شرح وظایف شان نظارت داشته باشند.

وی درخصوص آموزش کمک پرستاران مهارتی نیز یادآور شد: آموزش این گروه توسط بخش غیردولتی و نهادهای عمومی صورت می گیرد و تفاهم نامه ای نیز در این خصوص امضا شده است و از یک سال آینده این گروه در قالب کمک پرستار انجام وظیفه می کنند.

میرزابیگی درخصوص جذب کمک پرستاران مهارتی در بازار کار عنوان کرد: جذب گروه ده هزار نفری توسط بخش خصوصی و خرید خدمتی انجام می شود و مجوزی از طریق دولت برای استخدام گروه زیرلیسانس صادر نشده است.

افزایش ۲ برابری ظرفیت پذیرش

میرزاییگی افزود: همزمان با تربیت ده هزار نفر کمک پرستار مهارتی در کشور، ظرفیت پذیرش پرستاران در دانشگاه ها نیز دو برابر شده است و پذیرش در مقاطع ارشد و دکترا نیز افزایش یافته است و نظام آموزش پرستاری به سمت بالا در حرکت است.

مجوز استخدام ۷۰۰۰ پرستار

معاون پرستاری وزیر بهداشت همچنین از مجوز استخدام ۷۰۰۰ نفر پرستاران دانشگاهی برای بیمارستان ها و بخش های تازه تاسیس خبر داد.

میرزاییگی از تشکیل موسسه ای زیرمجموعه هیات امنای ارزی وزارت بهداشت به مقدار رفع مشکلات پرستاران خبر داد و گفت: بیشترین امنیت شغلی توسط این موسسه برای پرستاران صورت می گیرد. وی تعریف سند عرضه و تقاضای نیروی پرستار را از دیگر اقدامات معاونت پرستاری ذکر کرد و گفت: افزایش تا دو برابری ظرفیت پذیرش دانشجوی پرستاری دانشکده های پرستاری کشور ابلاغ شده و از امسال در کنکور اعمال شده است. این افزایش، بسته به توانمندی های دانشکده های علوم پزشکی کشور صورت می گیرد. میرزاییگی از بازنگری نظام آموزش پرستاری از مهرماه امسال به صورت پایلوت در دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی خبر داد و افزود: کارانه پرستاران از درآمد بیمارستان از ۲۰ به ۲۹ درصد افزایش یافته است.

معاون پرستاری گفت: نظام مراقبت عملکردی در بیمارستان ها به صورت آزمایشی در حال انجام است و از بهمن ماه سال گذشته پرداخت عملکردی توسط وزیر بهداشت ابلاغ شده است و تا پایان خرداد ۹۴ به صورت آزمایشی انجام می شود.

کد خبر: ۲۲۸۴۴۰۴۹

اخبار مرتبط:

✓ ایران: آموزش ۱۰ هزار کمک پرستار مهارتی آغاز شد



منبع: باشگاه خبرنگاران جوان

گروه: علمی پزشکی

تاریخ خبر: ۱۳۹۴/۰۴/۰۴

مرگ نیم میلیون زن باردار در نقاط مختلف جهان

فرهاد سالاری استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در گفت و گو با خبرنگار بهداشت و درمان گروه علمی پزشکی باشگاه خبرنگاران گفت: بهترین زمان برای حاملگی بین سنین ۲۰ تا ۳۵ سال است و البته در این سنین هم به دلیل مراقبت های ناکافی ممکن است مادر و نوزاد دچار مشکل شوند. وی با اشاره به آمار مرگ و میر مادران باردار در سراسر نقاط جهان افزود: اغلب زنانی که دچار مرگ و میر می شوند در کشورهای کمتر توسعه یافته زندگی می کنند و در این کشورها آمار مرگ و میر زنان باردار همچنان بالا است. سالاری تاکید کرد: گزارش های سازمان بهداشت جهانی نشان می دهند که سالانه نیم میلیون زن باردار در نقاط مختلف جهان بر اثر عوارض ناشی از بارداری و زایمان می میرند که اغلب این موارد مرگ و میر قابل پیشگیری و کنترل هستند. وی با بیان اینکه حاملگی باید با تصمیم گیری آگاهانه و برنامه ریزی انجام شود، خاطر نشان کرد: مراقبت های پیش از بارداری و نقص در آن از مهمترین مشکلاتی است که با توجه دقیق به آن، می توان از مرگ دهها هزار نفر از زنان باردار حین بارداری جلوگیری کرد. انتهای پیام/

کد خبر: ۲۲۸۴۳۱۰۳

اطلاعات تکمیلی:

گروه اختصاصی: علمی

رتبه:

جهت گیری:

اخبار مرتبط:

✓ شفا آنلاین: مرگ هر ساله نیم میلیون زن باردار در نقاط مختلف جهان



دومین کنگره بین المللی و ششمین همایش کشوری بروسلوز برگزار می شود

به گزارش «خبرگزاری دانشجو»، دومین کنگره بین المللی و ششمین همایش کشوری بروسلوز بیستم تا بیست و دوم آبان سال جاری توسط مرکز تحقیقات بیماری های عفونی و گرمسیری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با همکاری معاونت امور بهداشتی و معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه، مرکز مدیریت بیماری های وزارت بهداشت، در مرکز همایش های بین المللی امام خمینی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی برگزار می شود.

بررسی تازه های درمان، پیشگیری و روش های تشخیص بروسلوز، آشنایی با تازه های ایمونوپاتوژنز بروسلوز و نقش مهم سیستم ایمنی در کنترل بیماری، آشنایی با کاربرد روش های مولکولی در تشخیص بروسلوز، امیدهای آینده در درمان بروسلوز و راه کارهای برخورد با بیماری بروسلوز در ایران، بررسی علل افزایش موارد بروسلوز در ایران و بررسی راه کارهای پیشگیری بیماری در دام و انسان از جمله محورهای این همایش به شمار می رود و بر اساس اعلام دبیرخانه همایش، شرکت در این کنگره برای مشمولین قانون آموزش مداوم دارای امتیاز آموزش مداوم است.

محققان علاقمند به شرکت در این کنگره می توانند تا ۲۰ مهر ماه مقالات خود را به پست الکترونیک thnicb@sbmu.ac.ir ارسال کنند یا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۲۲۴۳۹۹۶۳-۸ تماس حاصل کنند و یا به وب سایت همایش به نشانی <http://idtmrc.sbmu.ac.ir> مراجعه کنند.

کد خبر: ۲۲۸۴۸۷۶۷



منبع: شفا آنلاین

گروه: سلامت

تاریخ خبر: ۱۳۹۴/۰۴/۰۴

مرگ هر ساله نیم میلیون زن باردار در نقاط مختلف جهان

به گزارش شفا آنلاین، فرهاد سالاری استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی گفت: بهترین زمان برای حاملگی بین سنین ۲۰ تا ۳۵ سال است و البته در این سنین هم به دلیل مراقبت های ناکافی ممکن است مادر و نوزاد دچار مشکل شوند. وی با اشاره به آمار مرگ و میر مادران باردار در سراسر نقاط جهان افزود: اغلب زنانی که دچار مرگ و میر می شوند در کشورهای کمتر توسعه یافته زندگی می کنند و در این کشورها آمار مرگ و میر زنان باردار همچنان بالا است. سالاری تاکید کرد: گزارش های سازمان بهداشت جهانی نشان می دهند که سالانه نیم میلیون زن باردار در نقاط مختلف جهان بر اثر عوارض ناشی از بارداری و زایمان می میرند که اغلب این موارد مرگ و میر قابل پیشگیری و کنترل هستند. وی با بیان اینکه حاملگی باید با تصمیم گیری آگاهانه و برنامه ریزی انجام شود، خاطر نشان کرد: مراقبت های پیش از بارداری و نقص در آن از مهمترین مشکلاتی است که با توجه دقیق به آن، می توان از مرگ دهها هزار نفر از زنان باردار حین بارداری جلوگیری کرد.

کد خبر: ۲۲۸۵۴۲۹۷

اطلاعات تکمیلی:

گروه اختصاصی: علمی

رتبه:

جهت گیری:

اخبار مرتبط:

✓ باشگاه خبرنگاران جوان: مرگ نیم میلیون زن باردار در نقاط مختلف جهان



۵۸ سال طبابت بدون مطب / جایزه نوبل ایرانی به نام پرفسور یلدا

ساده و بی آرایش و صادقانه کار می کند و هنوز هم مثل دیروزها اخلاق و پایبندی به موازین اخلاقی و انسانی برایش اولویتی مهم است.

او بیش از نیم قرن از زندگی اش را صرف تحقیقات در حوزه بیماری های عفونی کرده است و امروز به حق او را پدر طب عفونی ایران می دانند. پرفسور علیرضا یلدا علاوه بر نیم قرن تحقیق و تدریس الگویی از پایبندی به اخلاق و ساده زیستی است. مردی که تمام این سال ها اخلاق حرفه ای برایش اولویتی مهم بود. دغدغه ای که باعث شد در تمام دوران زندگی حرفی اش در قیدوبند مادیات و مطب و بیمارستان خصوصی نباشد.

من هیچ وقت دوست نداشتم رابطه مالی با بیمارانم داشته باشم و آن ها را به چشم کیف پول ببینم. بیش از نیم قرن تلاشی چنان از سر صدق و راستی که از او چهره ای مهربان و دلسوز ساخته است.

دکتر یلدا از سال ۱۳۳۶ که از دانشکده پزشکی فارغ التحصیل شد تا امروز در بخش بیماری های عفونی دانشگاه علوم پزشکی تهران فعالیت می کند فعالیتی ۵۸ ساله که تا امروز ادامه دارد. عشقی که همچنان پیرمرد ۸۵ ساله را هرروز تا بخش تحقیقات بیماری های عفونی بیمارستان امام خمینی می برد. عشق به تحقیقات و پایبندی به اصولی که هیچ گاه او را وارد کارهای اجرایی و مناصب دولتی نکرد. او همیشه محقق بی ادعا ماند. دکتر یلدا از برگزیدگان اولین همایش چهره های ماندگار در سال ۸۱ بود و از سال ۸۸ تا امروز به پاس خدمات علمی ایشان درزمینه بیماری های عفونی جایزه ای بین المللی به نام او هرساله به بهترین پزشکان حوزه های مختلف اهدا می شود. جایزه ای که بسیاری آن را نوبل ایرانی می دانند.

او مؤلف مجموعه شش جلدی کتاب بیماری های عفونی و صاحب ده ها عنوان مقاله داخلی و خارجی است. پای صحبت های دکتر یلدا نشستیم از کودکی های دیروزش تا موفقیت های امروزش ...

آقای دکتر چه چیزی شمارا به درس خواندن و بعدها پزشکی علاقه مند کرد؟

: من ۸۵ سال پیش در خیابان پامنار از محله های قدیمی و نسبتاً فقیرنشین تهران به دنیا آمدم. پدرم کارمند دولت و مسلط به زبان فرانسه بود و مادرم دیپلم و خانه دار که نقش بسیار زیادی در علاقه مند کردن ما به درس داشت. مادرم به ما یاد داد که

همیشه درس و مدرسه برایمان در اولویت باشد. البته خودم همیشه به دلیل غروری که داشتم، علاقمند بودم جز برترین ها باشم و تمام تلاشم را برای برتر بودن در کلاس می کردم، و اگر نمره پایینی می گرفتم خودم از بقیه خجالت می کشیدم و نگران بودم که همکلاسی هایم درمورد من چه فکری می کنند.

من تمام دوران تحصیلات ابتدایی ام را در همان خیابان سیروس گذراندم و بعد به دبیرستان ادیب در خیابان لاله زار رفتم. فقط سال ششم به دلیل معدل خوبی که داشتم و به واسطه عمویم به دکتر مجتهدی معرفی شدم و به دبیرستان البرز رفتم و به دلیل همان معدل خوب من را سریع پذیرفتند.

با وجود اینکه من از یک مدرسه معمولی به آنجا رفته بودم ولی زمانی که معلم های دبیرستان البرز علاقه و تسلط مرا دیدند، از من خواستند، صبح ها زودتر به مدرسه بروم و با بقیه بچه ها تمرین کنم و من باکمال میل قبول کردم.

به یاد می آورم صبح های خیلی زود بیدار می شدم، برای سماور، آتش روشن می کردم و چای را برای مادرم دم می کردم و بعد به مدرسه می رفتم و بچه هایی که در درس مشکل داشتند، زودتر می آمدند و باهم تمرین ها را حل می کردیم تا بقیه هم بیایند و زنگ بخورد.

پس همیشه مورد تشویق بودید؟

نه اصلاً. مادرم همیشه تاکید می کرد که باید درس بخوانیم،

ولی تشویق خاصی نبود نه در خانه و نه در مدرسه. شرایط آن زمان با امروز اصلاً قابل مقایسه نیست ما فکر می کردیم وظیفه ما درس خواندن است، منتظر تشویق و جایزه نبودیم.

من معتقدم که استعداد و پشتکار حرف اول را می زند. تشویق و حمایت مهم است ولی ذات انسان و اراده اش خیلی مهم تر است. من از سال ۱۳۳۶ که تحصیلات دانشکده پزشکی ام تمام شد تا امروز در همین بیمارستان و بخش بیماری های عفونی کار می کنم، هیچ وقت دنبال مادیات و موقعیت های کاری و اجرایی، یا تشویق و حمایت خاصی نبودم، چون همیشه معتقد هستم که یک پزشک باید در زمینه تخصص خودش کار کند، کار اجرایی مال ما نیست. کار اجرایی را یک نفر با مدرک لیسانس هم می تواند انجام دهد، ولی طبابت کار هر کسی نیست و یک پزشک باید ذهنش متمرکز به کار تخصصی خودش باشد.

به نظر شما نقش خانواده و محیط در شکل گیری آدم ها در اولویت نیست؟

به نظر من نقش خود انسان خیلی بیشتر از عوامل محیطی است، استعداد و پشتکار شرط پیشرفت است و البته که شرایط جانبی هم تاثیر دارد، ولی من به شدت معتقدم که استعداد و پشتکار حرف اول را می زند.

من در خانواده ای بزرگ شدم که مذهبی و به شدت پایبند به اخلاق بودند. یادم هست روزی که تصمیم گرفتم رشته پزشکی را انتخاب کنم، پدرم از من پرسید: « واقعاً می توانی در این جامعه طبابت کنی و اصول اخلاقی را فراموش نکنی؟ » این تاکید و

نصیحت پدرم را هیچ وقت فراموش نکرده ام. پدرم شرایط جامعه را می دانست، مردم را می شناخت و می دانست طبابت صحیح در این جامعه چقدر سخت است.

مادرم همیشه مشوق ما بود، اما هیچ وقت به من نگفت باید پزشکی بخوانم، یعنی همیشه نه تشویقی بود و نه تحمیلی. من فکر می کنم خودم ذاتاً درس خوان بودم و پشتکار عجیبی داشتم.

وقتی در درسی نمره کم می گرفتم، به دلیل همان غروری که داشتم واقعاً غصه می خوردم و همان حسی که دوست داشتم همیشه برتر باشم، مجبورم می کرد که همیشه خوب درس بخوانم.

شما در مدرسه معمولی درس خواندید و محله ای که زمینه های انحراف در آن زیاد بود، چطور آلوده شرایط نشدید؟

من در خیابان سیروس بزرگ شدم و دبیرستانم در خیابان لاله زار بود ولی چه من و چه برادرها و خواهرم همیشه تحت همان تربیت مذهبی خانواده بودیم. من تمام دوران تحصیلم تا سال سوم دانشکده پزشکی نمازهایم را در مسجد و به جماعت می خواندم.

ما اعتقادات مذهبی به دوران تعصب و خرافات داشتیم، در خانواده ای بودم که می دانستم نباید کار خلاف کرد. پدرم خیلی اهل حساب و کتاب و حلال و حرام بود و همیشه به دیگران کمک و محبت می کرد. پدرم هیچ وقت پولدار و ثروتمند نبود، ولی مناعت طبع داشت و اهل کار خیر و کمک به دیگران بود و همین منش و رفتار ناخودآگاه روی ذهنیت ما تاثیر داشت.

در محل ما اراذل و اوباش هم بودند، ولی من و برادرهایم جمع دوستانه و متفاوتی داشتیم با دیگران خیلی دم خور نبودیم و بیشتر مشغول درس و مشق هایمان بودیم.

من هیچ وقت شرایط مالی خوبی نداشتم که بتوانم به کلاس زبان بروم، ولی خودم صرفاً با پشتکار زبان انگلیسی را در حد خیلی خوب خواندم.

و به روال معمول آن روزها که هرکسی رشته طبیعی می خواند در رشته پزشکی شرکت می کرد، من هم آزمون پزشکی شرکت کردم و چون همیشه درس خوب بود، قبول شدم.

پس آرزوی پدر و مادرتان نبود که شما حتماً دکتر باشید یا مهندس؟

اصلاً هیچ وقت تحمیلی نبود. همان طوری که من بعدها هیچ وقت به دخترهایم تحمیل و حتی تاکید نکردم که پزشکی بخوانند. من دو دختر دارم. دختر بزرگم دکترای هواشناسی دارد و در دانشگاه پنسیلوانیا تدریس می کند و دختر کوچکم دندان پزشک است. رشته های درسی آنها کاملاً انتخاب خودشان بود نه من و نه همسر من که پزشک متخصص زنان است، هیچ وقت آنها را مجبور به تحصیل در رشته خاصی نکردیم.

فشارهای والدین به بچه ها ضربه می زند و آنها را دچار عذاب وجدان می کند. رشته و حرفه شما باید شمارا خوشحال کند و با انرژی نگه دارد. چطور ممکن است کاری را دوست نداشته باشید و از آن لذت نبرید و بعد انتظار داشته باشید در آن پیشرفت کنید و موفق شوید. به نظر من غیرممکن است. بدون عشق راهی برای پیشرفت وجود ندارد.

چند وقت پیش خانم دکتری به من مراجعه کردند، که به شدت از کمردرد و آرتروز رنج می برد، می گفتند اگر من به انتخاب خودم بود، هیچ وقت حاضر نبودم دهان بیماری را معاینه کنم فقط و فقط به دلیل اصرار مادرم دندان پزشک شدم.

ببینید چه فشار روانی روی این آدم وجود دارد و ایشان تحت چه شرایط سخت روانی باید کار کند. کار بدون عشق به هیچ جا نمی رسد. نتیجه اش می شود همین کارهای روزمره و غیرمفید. همین اتفاقی که الان در جامعه می بینید. واقعا ساعت کار مفید در مملکت ما چقدر است؟ با کشور های اروپایی و آمریکایی مقایسه کنید یا حتی ژاپن ملاحظه می کنید تفاوت کار اجباری و بی عشق چقدر است.

شما همیشه شاگرد نمونه بودید، چرا برای ادامه تحصیل به کشورهای اروپایی نرفتید، قطعاً شرایط و پیشنهادهای خوبی داشتید؟

همیشه فکر می کردم اگر کسی بخواهد درس بخواند و باسواد شود، همین جا هم می تواند به درجات علمی برسد. مخصوصاً امروز که به واسطه اینترنت می توان به راحتی به جدیدترین منابع علمی دنیا دسترسی داشت. امروز دیگر مشکل زمان و مکان حل شده و می توان همین جا هم با عشق و پشتکار به همه جا رسید. من همیشه به این اعتقاد داشتم.

البته دلیل دیگر من که هیچ وقت دوست نداشتم برای ادامه تحصیل و یا حتی اقامت به کشور دیگری بروم، به شرایط و وضعیت روحی خودم هم برمی گشت. برای من همیشه پذیرفتن محیط جدید سخت بود.

محیط جدید هویت شمارا تغییر می دهد و سال ها طول می کشد تا هویت شما در غربت شکل بگیرد. من هیچ وقت منکر مزیت های آنجا نبودم، چه از نظر امکانات تحقیقاتی و چه رفاه و شرایط زندگی، ولی این ها برای من هیچ وقت اولویت نبود. من ترجیح دادم، تمام دوران تحصیلم و بعد دوران کاری ام را همین جا بمانم. کار در کشور خودم برایم همیشه راحت تر بود. ترجیح می دهم همین جا، بین هم وطن های خودم و همین فرهنگ کارکنم، حتی با وجود محدودیت ها و کمبودها، در ایران ماندن برایم اولویت است.

آقای دکتر با توجه به اینکه شما کتابی در زمینه اخلاق پزشکی دارید، در حال حاضر اخلاق جامعه پزشکی کشور را چطور ارزیابی می کنید؟

متأسفانه من نمی توانم از جامعه پزشکی حمایت کنم.

به نظر من انسان در درجه اول اولاد جامعه است و بعد اولاد والدینش. جامعه با تمام فاکتورها و عوامل اجتماعی اقتصادی و سیاسی اش تاثیر مستقیمی روی افراد دارد. اگر از اخلاق صحبت می کنیم، نمی توانیم ادعا کنیم که همه مردم مراعات کنند. ذات انسان ها به طور فطری گرایش بیشتری به بدی دارد تا خوبی و جامعه پزشکی هم مستثنا نیست.

متأسفانه ما در زمینه اخلاق پزشکی قانون داریم، ولی الزامی به رعایت قانون نداریم، برای همین افرادی هستند که به خودشان اجازه تخطی و خطا می دهند.

در یک کشور اروپایی وقتی یک راننده سه بار تخلف داشته باشد، گواهی نامه اش

ضبط می شود و قانون چنان با شدت و قاطعیت اجرا می شود که کسی جرات خطا و تخلف نداشته باشد، ولی در ایران هیچ وقت قانون با جدیت اجرا نمی شود.

این وضعیت در مورد جامعه پزشکان هم صدق می کند. ما قانون داریم، ولی چیزی که ما را با یک کشور اروپایی متمایز می کند اجرای درست و صحیح و قاطع قانون است. متأسفانه قوانین جامعه پزشکی به درستی و با قاطعیت اجرا نمی شود. اخلاق پزشکی به روش درستی به دانشجویان آموزش داده نمی شود و متأسفانه با جدیت هم اجرا نمی شود، همین اهمال و کم کاری باعث می شود تا برخی از همکاران ما دچار تخلف می شوند. به عقیده من باید در این مورد فرهنگ سازی کرد.

جامعه شناسان معتقدند برای تغییر فرهنگ یک جامعه حداقل ۵۰ سال وقت لازم است، آن هم در شرایطی که واقعاً اراده جدی و قوی وجود داشته باشد، یک برنامه ریزی با افق دیدی طولانی مدت و کاربردی لازم است تا چندین سال بعد کم کم و به مرور زمان فرهنگ نهادینه شود.

جامعه پزشکی شمارا به عنوان یکی از چهره های با اخلاق می شناسد. این همه پای بندی اصول اخلاقی در ۶۰ سال زندگی حرفه ای کار سختی نبود؟

من همیشه به دانشجویهایم تاکید می کنم که شیطان همیشه در کمین است و تلاش می کند آدم ها را اغوا کند، باید همیشه مراقب باشید که تحت تاثیر قرار نگیرید. وقتی می خواهید یک بیماری را تشخیص بدهید، سعی کنید شیطان را از خودتان دور کنید. با تعصب به بیمار نگاه نکنید، به کتاب مراجعه کنید مشورت کنید، جلوی وسوسه شیطان را بگیرید.

منظور من از شیطان کلیتی از افکار غلط باورها و تعصبات است نه اینکه حتماً یک موجود خاصی باشد... وقتی بیمار را به شکل کیف پول ببینید، یعنی اسیر همین افکار شیطانی شدن. ما نمی خواهیم که معامله کنیم. باید روی این نوع نگاه کار کنیم، متأسفانه این نوع نگاه معامله ای در بسیاری از ابعاد زندگی ما رسوخ کرده است و متأسفانه به شدت بین همکاران ما هم دیده می شود.

همین بحث مهریه هم یک نوع نگاه معامله ای است به حساس ترین برهه زندگی یک فرد. وقتی نگاه ما به مهم ترین اتفاق زندگی هر آدمی تحت تاثیر چیزی به نام مهریه قرار می گیرد، یعنی ما خیلی درگیر همین افکار شیطانی و باورهای نادرست هستیم.

من در تمام ۶۰ سال زندگی حرفه ای ام هیچ وقت مطب شخصی نداشتم، به همین دلیل که دوست نداشتم رابطه مالی بین من و بیمارهایم به وجود بیاید حتی بیمارستان خصوصی هم نمی رفتم، حتی اگر شرایط خاصی پیش می آمد و به اجبار به این بیمارستان ها می رفتم سعی می کردم، حق ویزیت کمتری بگیرم.

من فقط ۹ ماه مطب شخصی داشتم، خاطر من هست یک شب خانمی که فرزندش به شدت تب داشت به مطب آمد که خیلی آشفته و مضطرب بود، من بچه را ویزیت کردم و

همان شب قرار بود با همسر من به سینما برویم. من در تمام مدت فکر درگیر این موضوع بود که آیا این کار، درست است که من از بیمار ده تومان ویزیت بگیرم و بعد شش تومان بلیت سینما بخرم. شاید این طرز فکر و نگرش غیرطبیعی باشد و در زندگی اجتماعی خیلی کاربرد نداشته باشد ولی همیشه من این نگاه و دیدگاه را داشتم.

سال پنجم پزشکی بودم که دکتر خصوصی مادر بزرگم شدم. ایشان به شدت از درد مفاصل رنج می برد و وقتی من دارویی تجویز می کردم، احساس می کرد که دردش کمتر شده و همیشه می گفت، داروهای توحال من را خوب می کند و دردم را کاهش می دهد. بعد از یک سال مادر بزرگم تصمیم گرفت، برای تشکر زمینی برای من بخرد که نشد و ۱۲ هزار تومان به من هدیه داد که زمان خودش مبلغ زیادی بود، ولی من تمام آن را به دوستان قرض دادم و اصلاً متوجه نشدم این پول را چگونه خرج کردم، چون هیچ وقت در قیدوبند مادیات نبودم و البته بعدها لطف خدا بود که همسر هم همراه و هم عقیده من بود و واقعاً ازدواج من لطف خدا بود که توانستم در آرامش زندگی کنم و به درس و تحقیقاتم پردازم.

آقای دکتر بزرگ ترین دستاورد زندگی خود را چه می دانید؟

من اگر بخواهم تجربه ۸۵ سال زندگی ام را خلاصه کنم یک جمله است، اینکه باید شادبود و لازمه شادبودن محبت کردن است.

محبت کردن هزینه ای ندارد، ولی تاثیر عمیقی دارد. معنویت انسان ها را به هم نزدیک می کند و مادیات بین آن ها فاصله ایجاد می کند. با پول نمی توان محبت و شادی را خرید، خیلی چیزها را نمی توان با پول و مادیات خرید.

پس بی دریغ محبت کنید، چه اشکالی دارد، یک دکتر به بیمارانش با یک لبخند، باروی گشاده و مهربان، محبت کند. این ها هیچ هزینه ای ندارد و با هیچ پولی هم قابل خرید و فروش نیست، ولی تاثیری که در رابطه بیمار و دکتر دارد، بی نظیر است.

هیچ وقت فراموش نکنید، دشمن اصلی محبت کردن توقع داشتن است، پس بی توقع و چشم داشت محبت کنید.

انتظاری از دنیا و مردم نداشته باشید. دنیا در معنی لغوی هم یعنی پست، پس به این دنیای بی ارزش خیلی دل بسته نشوید.

معنویت و احترام را به خاطر نفس خودشان رعایت کنید و محترم بدانید، نه اینکه به دنبال تایید مردم باشید. اینکه من محبت کنم تا مردم بگویند، یلدا آدم خوبی است، خیلی بی ارزش است. من اگر بتوانم از صمیم قلب و بی هیچ چشم داشتی محبت کنم، ارزش دارد و گرنه همان نگاه معامله ای می شود که گفتم. پس هیچ وقت با احساسات و با محبت کردن به هم معامله نکنید. تاثیری که یک لبخند و توجه پزشک می تواند داشته باشد، با هیچ دارویی قابل مقایسه نیست، پس به بیمارانتان بی دریغ لبخند بزنید.

آقای دکتر وضعیت کنونی دانشگاه ها را چگونه ارزیابی می کنید؟

درس خواندن در دانشکده پزشکی در زمان ما خیلی مشکل بود. برخلاف امروز که دانشجویان این همه امکانات دارند، ما حتی کتاب فروشی نداشتیم و مجبور بودیم از کتابخانه استفاده کنیم. مثلاً اگر یک کتاب فیزیولوژی می خواستیم، باید زودتر از دیگران برای خرید آن مراجعه می کردیم.

آن روزها چون کتاب زیادی در دسترس نبود، اکثر دانشجویان در کلاس حضور داشتند و جزوه می نوشتند. شرایط امروز واقعاً متفاوت است. هم شرایط دانشجویها تغییر کرده و هم استادها... بعضی از اساتید آن دوران بسیار خوب بودند، البته به دلیل تغییر شرایط آن روزها و امروز نمی توان اساتید گذشته و حال را باهم مقایسه کرد. ولی یک نکته خیلی مهمی که باید به آن توجه کرد، مسئله اساتید دانشکده های پزشکی است. واقعیت این است که درس هایی که یک استاد باید بداند را به وی آموزش نداده اند، یک نفر صرفاً به خاطر سواد خوش، استاد نمی شود، بلکه باید فرهنگ استاد بودن و ارتباط برقرار کردن با دانشجویان را نیز دارا باشد. امروز زبان سخن گفتن و نحوه ارتباط برقرار کردن با گذشته متفاوت شده است.

همیشه با خودم فکر می کنم که اگر فرزند خودم سر کلاس باشد و چیزی یاد نگیرد، چه حسی پیدا می کنم، پس این بچه ها هم که سر کلاس می آیند باید به آنها مطالب جدید و مفید آموخت.

البته باید بپذیریم که همه نمی توانند خوب بنویسند. عده ای خوش قلم بوده و خوب می نویسند و برخی دیگر بیان خوبی دارند. ما نباید انسان ها را مثل هم تربیت کنیم، مهم این است از هرکدام از انسان ها براساس توانی هایشان استفاده کنیم. باید استعدادهای افراد مختلف را کشف کرد و پرورش داد.

یک استاد خوب به نظر شما چه خصوصیتی دارد؟

استادی که خوب باشد، نه تنها درس را خوب یاد می دهد، بلکه زندگی کردن، آداب زندگی و معنای آن را به دانشجویان می آموزد. به شاگردانش یاد می دهد که موفقیت اصلی، موفقیت معنوی و روانی است، نه موفقیت اجتماعی که مترادف پولدار شدن است. منظورم این نیست که مادیات ارزش ندارد، ولی تمام زندگی مادیات نیست، چه بسا وضع مادی بسیاری از انسان ها خوب است، ولی زندگی خوبی ندارند.

امروزه سازمان بهداشت جهانی، علاوه بر سلامت جسم و روح، معنویت را هم برای سلامت جامعه لازم می داند. اگرچه عوامل متعددی از قبیل خانواده، مدرسه، محل زندگی، دوستان و این اواخر انواع رسانه ها، در پرورش انسان ها دخالت دارند، اما اساتید اگر از هرجهت، مخصوصاً از جهت معنوی خودشان را اصلاح کنند و آن را عملاً ثابت کنند، دانشجویان تحت تاثیر قرار می گیرند، چون رفتار انسان خیلی مؤثر است. باید رابطه مؤثر برقرار کرد... هسته اصلی معنویت، ایجاد رابطه صحیح است. باید این احساس را داشته باشیم که این ها

همیشه سعی می‌کنم که با درس دادن و بیان مسائل علمی، خودم رضایت پیدا کنم، طوری صحبت کنم که آنها استفاده کنند، همان طور که دیگران نیز می‌گویند، وقتی حرف می‌زنید، مطمئن شوید که مستمع شما حرفتان را درک کرده باشد. باید به قدرت گیرندگی دانشجو و لزوم بیان آن مطلب، توجه کرد. هر فردی باید تلاش کند، خودش را اصلاح کند. اگر هرکسی برنامه اش این باشد که باید خدمتی کند و دل کسی را شاد کند، در درجه اول خودش شاد می‌شود.

من به این جوان‌ها امیدوار هستم. باید خودمان را با خودمان مقایسه کنیم و بین المللی فکر کنیم، ملی عمل کنیم و امکانات و شرایطمان را بسنجیم. مدیر خوب کسی است که از امکانات موجود بهترین استفاده را کند. یکی از دستورات دینی ما این است که همیشه به چیزهایی که داریم، فکر کنیم و اگر به چیزهایی که نداریم، فکر کنیم، دچار یاس و ناامیدی می‌شویم. البته این به آن معنا نیست که آرزو و هدف و ایده ای نداشته باشیم. باید واقعاً کشورمان را دوست داشته باشیم و فقط حرفش را نزنیم.

حکایتی هست که من خیلی دوستش دارم و به نظرم حرف اول و آخر رامی زند.

... روزی قرار بود که ابوسعید ابوالخیر، برای مردمی که در مسجد گردآمده بودند، سخنرانی کند. ازدحام جمعیت به حدی رسید که دیگر جای نشستن نبود. مردی بالای منبر رفت و گفت: خدا پدرش را بیمارزد کسی را که از آنجایی که هست گامی فراتر نهد. مردم بلند شدند و جلو و جلوتر رفتند و برای دیگران جا باز شد. ابوسعید خیر بالای منبر رفت و گفت: آنچه اولیا □ و انبیا □ می‌خواستند بگویند و آنچه ما می‌خواستیم امروز بگوییم، این برادر ما گفت. خدا پدرش را بیمارزد کسی را که از آنجایی که هست گامی فراتر نهد...

اگر این فرهنگ جا بیفتد و از آنجایی که هستیم، هرروز گامی فراتر بگذاریم، اوضاع ما خوب می‌شود. هرکسی به سهم خودش باید برای این مساله تلاش کند...

جوایز پر شمار

پژوهش‌های برجسته در بیماری‌های عفونی، توانایی‌های آموزشی و رفتارهای شایسته اخلاقی و انسانی نسبت به بیماران، همکاران، کارکنان کادر پزشکی و شاگردانش از پروفیسور یلدا، استادی بی‌بدیل و نمونه‌ای از دانش، اخلاق و انسانیت ساخت.

تاکنون به استاد پروفیسور یلدا بیش از ۲۰ جایزه علمی به موجب خدمات برجسته و شاخص آموزشی و پژوهشی اعطاشده است. وی نخستین پزشک و استاد ایرانی است که نشان علمی «چهره‌های ماندگار» به ایشان اعطاشده است.

پروفیسور یلدا به حق استاد استادان و پدر دانش بیماری‌های عفونی ایران لقب گرفته و بنیادی علمی بانام وی ثبت گردیده است.

استادیلدا عضو دائمی هیئت ممیزه استادان دانشگاه برای ارتقای اعضای کادر هیئت علمی و آموزشی دانشگاه و عضو شورای علمی بیش از ۲۰ مجله معتبر پزشکی است.

به علاوه از چند دهه پیش تاکنون به عنوان عضو برجسته شورای علمی، مشاورین و داوران نشریات کهن و معتبر پزشکی ایران چون مجله دانشکده پزشکی تهران و مجله نظام پزشکی ایران منشا خدمات شایان توجه ای بوده است.

استاد یلدا به سبب ویژگی های علمی و اخلاقی و انسانی، پس از تاسیس فرهنگستان علوم پزشکی، به عنوان عضو پیوسته این فرهنگستان انتخاب شد.

خلاصه گفتگو

من معتقدم که استعداد و پشتکار حرف اول را می زند. تشویق و حمایت مهم است ولی ذات انسان و اراده اش خیلی مهم تر است.

فشارهای والدین به بچه ها ضربه می زند و آنها را دچار عذاب وجدان می کند. رشته و حرفه شما باید شمارا خوشحال کند و بانرژی نگه دارد.

همیشه فکر می کردم اگر کسی بخواهد درس بخواند و باسواد شود، همین جا هم می تواند به درجات علمی برسد.

متاسفانه ما درزمینه اخلاق پزشکی قانون داریم، ولی الزامی به رعایت قانون نداریم، برای همین افرادی هستند که به خودشان اجازه تخطی و خطا می دهند.

وقتی بیمار را به شکل کیف پول ببینید، یعنی اسیر همین افکار شیطانی شدن. ما نمی خواهیم که معامله کنیم. باید روی این نوع نگاه کار کنیم

من اگر بخوام تجربه ۸۵ سال زندگی ام را خلاصه کنم یک جمله است، اینکه باید شادبود و لازمه شادبودن محبت کردن است.

بی دریغ محبت کنید چه اشکالی دارد، یک دکتر به بیمارانش با یک لبخند، باروی گشاده و مهربان، محبت کند. این ها هیچ هزینه ای ندارد و با هیچ پولی هم قابل خرید و فروش نیست، ولی تاثیری که در رابطه بیمار و دکتر دارد بی نظیر است.

معنویت و احترام را به خاطر نفس خودشان رعایت کنید و محترم بدانید، نه اینکه به دنبال تایید مردم باشید. اینکه من محبت کنم که مردم بگویند یلدا آدم خوبی است، خیلی بی ارزش است.

هر فردی باید تلاش کند خودش را اصلاح کند، اگر هرکسی برنامه اش این باشد که باید خدمتی کند و دل کسی را شاد کند، در درجه اول خودش شاد می شود.

استادی که ما می بینیم

دکتر مینو محرز، از اساتید طب عفونی، و از شاگردان دکتر یلدا است که درباره ایشان می گوید: «هر روز خدا را شکر می کنم که در سال آخر انترنی در سال ۱۳۴۹ و بعد هم در دوره رزیدنتی در کنار مرحوم دکتر مزدهی که اخیرا از میانمان رفتند، از دکتر یلدا در درجه اول اخلاق، انسانیت و چگونگی رفتار با بیمار را فرا گرفتیم.»

در کنار مسائل روزمره، استاد یلدا عشق ورزیدن را به ما آموخت. به ما آموخت که زیبا ببینیم. به ما یاد می داد که خوبی ها را ببینیم. همیشه قسمت پر لیوان را ببینیم. به ما یاد داد مایوس نشویم و پیش برویم. علم پیشرونده است و شما باید پا به پای آن جلو بروید.»

دکتر محرز در بخش دیگری از سخنانش با بیان خاطره‌ی بی از دکتر یلدا، گفت: «خاطرم هست در یکی از کنفرانس‌های عفونی که می‌خواستیم از پیشکسوتان علم عفونی که عمر خود را صرف کنترل بیماری طاعون کرده بودند، تقدیر کنیم، از آقای دکتر یلدا خواهش کردیم در این مراسم صحبت کنند. ایشان یک جمله در آن مراسم گفتند که همیشه در خاطرم مانده است. ایشان گفتند: «شما آکروبات بازها را دیده‌اید؟ آنهایی که پایین می‌مانند و دیگران روی شانه‌هایشان می‌ایستند. اینها همان پیشکسوتان هستند.»

من فکر می‌کنم استاد یلدا خود، به جا و به حق با شانه‌هایی قوی ایستاد و به ما یاد داد چگونه بالابرویم و ما هم باید یاد بگیریم که شانه‌هایی قوی داشته باشیم برای جوانان تا بالابروند و ستاره‌ها را لمس کنند.»

دکتر رسولی نژاد یکی دیگر از شاگردان استاد یلداست. او با بیان اینکه «خدا را شاکرم که در دوره دستگیری افتخار شاگردی استاد یلدا را داشتم» گفت: «در حضور استاد یلدا در بخش عفونی همه چیز آرام، مرتب، منظم و پر از انرژی مثبت است ما در کتاب‌ها بسیار خوانده ایم که باید به دیگران احترام گذاشت. به حرف دیگران گوش کنیم، برای مردم غمخوار باشیم، برای مردم دلسوز باشیم و به درد مردم گوش کنیم و سعی کنیم آنچه در توانمان است برای آسایش مردم به کار ببریم اما من در مدت شاگردی استاد یلدا در بخش عفونی بودم که این مسائل را عملاً آموختم.»

دکتر گتمیری نرم زبانی، حسن خلق، صبر، حوصله و خویشتنداری از ویژگی‌های مهم استاد یلدا دانست و گفت: «اکثر ما افرادی هستیم که مجبوریم مطب‌هایی را با هزینه‌های سنگین راه‌اندازی کنیم و بعد از آن هم معلوم نیست این هزینه‌ها بازگردد،

اما دکتر یلدا در دوره‌ی مطب‌را کنار گذاشتند که مطب برای بسیاری تجارتخانه محسوب می‌شد، چه رسد به دکتر یلدا مشهور که اگر مطبی داشت بدون شک صف بیماران جلوی آن بسته می‌شد. ایشان درآمد سرشاری را کنار گذاشت و سال‌هاست با همان حقوق معلمی زحمت می‌کشند تا شاگردانی خوب تربیت کنند.»

دکتر داوود منصوری، متخصص بیماری‌های عفونی با بیان خاطره‌ی بی از استاد یلدا گفت: «دکتر یلدا هیچ وقت پایشان را در بیمارستان‌های خصوصی نمی‌گذارند! یادم است یک بار ایشان را به زور بالای سر بیماری در یک بیمارستان خصوصی برده بودند. این فرد عمل شده بود و دکتر بعد از دیدار از او، ایشان را به بخش ما منتقل کردند و از من خواستند این بیمار را مدیریت کنم. آن زمان دستگاه سونوگرافی هم نبود. به بخش زنان گفتم شما دستگاه را روی کبد بگذارید تا ما ببینیم، باقی کار را من بلام. من آن زمان جسارتی کردم که خودم را نمی‌بخشتم. به استاد گفتم دو اشتباه در کار دیدم. به جراح گفته بودند سونوگرافی را انجام بده و بعد عمل کن. جراح گفته بود دستان من از دستگاه حساس تر است و اشتباه کرده بود.»

چرا شما وقتی برای دیدار بیمار رفتید، دستگاه نخواستید؟ استاد گفتند چون دستگاه آنجا نبود و به هر حال قبول کردند. بعد از آن ماجرا روزی نبود که دکتر بنده

را تحویل نگیرند، تعریف نکنند، خجالت زده نکنند. این یعنی چه؟ یعنی فروتنی.»

دکتر مریم حاج عبدالباقی، دیگر شاگرد استاد یلدا و فوق تخصص بیماری های عفونی با بیان اینکه «دکتر برای ما که در کنارشان علم و اخلاق را آموختیم، نعمتی هستند» گفت: «همه کسانی که با ایشان در ارتباط هستند می دانند یکی از ویژگی های ایشان شوخ طبعی دکتر است. هر صبح که برای آغاز کار به بخش می رویم. یک لیوان چای در خدمت دکتر می خوریم و ایشان همیشه سخن شیرینی دارند که برای ما بگویند. حکایتی که همه ما را از صمیم قلب شاد کند و انرژی کار روزانه را به ما ببخشد.»

نگاهی به جایزه بنیاد جهانی پرفسور یلدا

نوبل ایرانی

همزمان با تحولات علمی و اهمیتی که موضوع اهدا جوایز معتبر در یک قرن گذشته پیدا کرده، جوایز متعدد علمی از سوی بنیادهای علمی و تحقیقاتی سراسر جهان تعریف و اعطا می شود که این جایزه ها و تقدیرها بر انگیزه محققان و دانشمندان به ویژه چهره های جوان برای ادامه کار با جدیت بیشتر می افزاید. در ایران نیز چند سالی است اهدا جوایز در قالب مراسم های متعدد یادبود و بزرگداشت برگزار می شود و از چهره های برتر در حوزه های مختلف تقدیر می شود.

شش سال پیش گروهی از دانشجویان سابق دکتر یلدا که خودشان از پزشکان حاذق ایرانی مقیم آلمان هستند، تصمیم می گیرند بابت برگزاری مراسمی، علاوه بر پاسداشت مقام علمی استاد یلدا، تقدیر و تشکری هم از پزشکان موفق در حوزه های مختلف انجام دهند.

جوایز بنیاد آکادمیک جهانی پرفسور یلدا به چهره های برجسته اعطا می شود که به عقیده کارشناسان همزمان با برگزاری هر چه باشکوه تر آن مراسم، به تدریج به شاخصی علمی در کشور تبدیل شده تا آنجا که بسیاری از کارشناسان آن را نوبل ایرانی می دانند.

اما این نوبل ایرانی حالا باگذشت شش سال از عمرش با چالش های زیادی روبروست و باین حال انتقاداتی را نیز می توان نسبت به آن وارد دانست. درحالی که تبلیغات درخور و گسترده ای برای معرفی این جایزه و آگاه سازی عموم جامعه از آن صورت نگرفته، نبود اطلاعات کافی و مستند درباره این بنیاد و جوایزی که توسط آن به چهره های برگزیده اعطا می شود، از نکات تامل برانگیز آن به شمار می آید. تقریباً هیچ گونه اطلاعاتی درباره تاریخچه جایزه پرفسور یلدا و حتی یک پایگاه ساده اینترنتی برای اطلاع رسانی وجود ندارد. به طورقطع جایزه ای که بسیاری آن را معادل نوبل جهانی در ایران می دانند به تقویت زیرساخت لازم در بخش برگزاری و اطلاع رسانی نیاز دارد.

دکتر رنجبر یکی از بنیان گذاران این کنگره و رییس بنیاد علمی پژوهشی دکتر

یلداست، در این زمینه می گوید: «متداول این است جوایزی که به افراد تعلق می گیرد، بر اساس پرستیژ است، اما نظر بنیاد بر این است که در کنار این مسائل باید از فعالیت های بزرگان در عرصه دانش پزشکی قدردانی صورت بگیرد. اگر یک جایزه بین المللی در نظر می گیریم تنها به خاطر پرستیژ آن نیست بلکه قدردانی از این عزیزان در سطح جهانی برای این است که آنها در عرصه دانش و همچنین سلامت جامعه کوشا هستند و تلاش فداکارانه ای می کنند.»

دکتر رنجبر در ادامه افزود: «ساختار جایزه بنیاد علمی جهانی پرفسور یلدا بر این اساس گذاشته شده است که برگزیدگان باید علاوه بر اینکه دارای توانایی علمی در سال های طولانی باشند و همین طور استانداردهای بین المللی را نیز حفظ کرده باشند، باید اخلاق و عشق به درمان بیماران هم برایشان در اولویت باشد.»

وی از جمله عوامل مؤثر بر انتخاب برگزیدگان را انجام کارهای تحقیقاتی در سطوح پایه و بالینی، نظرات روسای گروه های دانشکده ها، نظرات استادان هر یک از گروه های مرتبط، فرم های ارزیابی استادان که توسط دانشجویان آنها تکمیل شده، کاربردی بودن تحقیقات و اختراعات و ... برشمرد و گفت: «قبلا رده «فرهنگ و هنر» در جایزه وجود نداشت که امسال به دلیل آن که پزشکان زیادی دارای فعالیت های فرهنگی و هنری اثرگذار بوده اند، این رده نیز اضافه شد.»

وی همچنین گفت: «همواره در اعطای جوایز و انتخاب برگزیدگان تاکید داشتیم که از انتخاب آثار و اختراعات تکراری که پیش تر جزو برندگان جشنواره های علمی و فناوری بوده اند، خودداری کنیم و فرصتی برای نوآوران گمنام تر و استادان برجسته، اما ناشناخته و درعین حال دارای منشا اثر در پزشکی و حیطه های مختلف آن بوده اند، فراهم کرده باشیم. از همان ابتدای پایه گذاری بنیاد، بر عدم اعطای جایزه مالی و حفظ جایگاه معنوی جایزه نیز تاکید داشتیم.»

جایزه برگزیدگان، شامل تندیس منقش به تصویر استاد یلدا، لوح تقدیر دانشگاه علوم پزشکی تهران و سکه منقش به آرم دانشگاه است.

رده های برگزیدگان بنیاد علمی جهانی پرفسور یلدا بر این اساس است.

رده اول برگزیدگان؛ دانشمندان جوان،

رده دوم؛ کسانی که در حیطه نوآوری در دانش پزشکی تلاش می کنند و کارهای خوبی را در سطح جهان انجام داده اند،

رده سوم؛ افرادی که در حیطه پزشکی مسئولیت پذیر هستند.

رده چهارم؛ استادان برجسته و برتر را شامل می شود.

رده پنجم مربوط به استادانی است که در زمینه فرهنگ و هنر در عرصه دانش پزشکی فعال بوده اند.

حالا باگذشت چندین دوره از برپایی این همایش می توان امیدوار بود با حمایت های بیشتر به بار علمی و اعتبار جهانی این کنگره افزوده شود. ابتکار زیبا و ارزشمندی که به طور داوطلبانه و با صرف هزینه های شخصی برای بزرگداشت مقام

استادی برگزار می شود، قطعاً شایسته تقدیر حمایت و پشتیبانی بیشتری است. تا مروج و مشوقی باشد برای تمام کسانی که عاشقانه و صادقانه دل درگرو خدمت به مردم دارند و عمری را با کمترین امکانات در کار تحقیق و پژوهش می گذرانند. تا به حال چهار دوره از این همایش برگزار شده است و از چهره های شاخصی تقدیر شده است ..

. مدال افتخار چهارمین جایزه بنیاد جهانی پروفیسور یلدا به "استادان بزرگ و پیشکسوت پزشکی" شامل دکتر پرویز مسعودی (جراح قلب مقیم آلمان)، دکتر غلامعلی تازی وردیان (متخصص ژنتیک انسانی مقیم آلمان)، دکتر سیادت پور (جراح دست مقیم آلمان)، دکتر ناصر کمالیان (پاتولوژیست، دانشگاه علوم پزشکی تهران)، دکتر محمود متین (ژنیکولوژیست، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی) دکتر مرداویج آل بویه (هماتولوژیست، دانشگاه علوم پزشکی تهران)، مرحومه دکتر پروانه وثوق (هماتولوژیست، موسسه محک)، دکتر سیدحسن هاشمی (چشم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران)، دکتر علیرضا مصداقی نیا (گروه بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران)، دکتر محبوب لسان پزشکی (نفرولوژیست، دانشگاه علوم پزشکی تهران)، دکتر ایرج فاضل (جراح عمومی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)، دکتر علی ملک حسینی (جراح کبد، دانشگاه علوم پزشکی ش از)، دکتر محمدرضا زرین دست (فارماکولوژیست، دانشگاه علوم پزشکی تهران)، دکتر ضیا □ الدین تابعی (اخلاق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز) و دکتر حسن تاجبخش (دامپزشک، دانشگاه تهران) اهدا شد. همچنین چهار تن از پزشکان شامل دکتر منوچهر قارونی (متخصص داخلی، دانشگاه علوم پزشکی تهران)، دکتر فاطمه نبوی زاده رفسنجانی (فیزیولوژیست، دانشگاه علوم پزشکی تهران)، دکتر فرشاد فرنقی (متخصص پوست، دانشگاه علوم پزشکی تهران) و دکتر ماهرو میراحمدیان (ایمونولوژیست، دانشگاه علوم پزشکی تهران) موفق به اخذ چهارمین جایزه جهانی پروفیسور یلدا در بخش "استادان برجسته علوم پزشکی" شدند. سپید

کد خبر: ۲۲۸۴۲۱۸۸

اطلاعات تکمیلی:

گروه اختصاصی: علمی

رتبه:

جهت گیری: